بعد گفتم که آقای قربانپور و آقای یوسفیان دیروز در جامعه‌الصادق خدمت آیت‌الله مهدوی‌کنی رسیده و ایشان فرموده‌اند یا خودشان امروز تشریف می‌آورند یا آقای حجت‌الاسلام باغانی تشریف می‌آورند. در همین حین آقای باغانی تشریف آوردند و حدود چهل دقیقه صحبت کردند و خوب هم صحبت کردند و معیارهای انتخاب اصلح را تشریح کردند و گفتند: در بین کاندیداها آقای حجت‌الاسلام ناطق‌نوری اصلح است. جلسه به‌خوبی و بدون هیچ‌گونه تنشی تمام شد. کل مراسم ضبط تصویری و صوتی شد که به‌صورت وی‌اچ‌اس تکثیر کردیم و یک کپی برای ستاد مرکزی آقای ناطق‌نوری و یک کپی برای ستاد مرکزی آقای سیدمحمد خاتمی فرستادیم. آن شب تا ساعت دوازده تبلیغات مجاز بود

قرارداد کاپیتولاسیون ژاپنی در مترو تهران!

در متن قرارداد اصول کاپیتولاسیون را دقیقاً آورده بودند که اگر یک فرد ژاپنی در حین انجام مطالعات یا در مراحل مونتاژ و نصب و راه‌اندازی، یک ایرانی را کشت یا یک ایرانی کشته شد، جمهوری اسلامی ایران حق محاکمه وی را ندارد و باید این فرد ژاپنی را به کشورش بفرستیم تا آنجا طبق مقررات و قوانین ژاپن با او برخورد شود

گزارش

با انتشار این شماره، بررسی کتاب سال‌های بی‌حصار از مجموعه خاطرات اصغر ابراهیمی‌اصل به پایان خواهد رسید. ابراهیمی‌اصل در این کتاب خاطراتی از دوران کودکی تا تحصیل و مسئولیت‌های خود را تشریح کرد. وی گفت که چگونه وارد دانشگاه صنعت‌نفت آبادان شد و در ادامه برای ادامه تحصیل راهی امریکا شده بود. همچنین به مسئولیت‌های خود در فرمانداری اهواز، استانداری ایلام و آذربایجان غربی پرداخت و در بخش پایانی نیز توضیحات مفصلی درباره مدیرعاملی خود بر مترو تهران داد

زمانی که من استاندار ایلام بودم، به‌اتفاق استانداران خدمت امام رسیدیم. آن موقع آیت‌الله مهدوی‌کنی وزیر کشور بودند؛ حضرت امام فرمودند: من به آقای مهدوی‌کنی ارادت داشته، دارم و خواهم داشت. این تعبیر را حضرت امام در مورد هیچ‌کس به کار نبرده‌اند که بفرمایند من به کسی در گذشته و حال ارادت دارم و در آینده نیز ارادتمند هستم. به نظرم برای کسانی که می‌خواهند در خط امام باشند و راه امام را دنبال کنند، خصوصاً کسانی که نمی‌دانند انتخاب اصلح کیست تا روز دوم خرداد ماه با اطمینان بیشتری رأی خود را در صندوق بیندازند، این سخنرانی که توسط آیت‌الله مهدوی‌کنی یا حجت‌الاسلام باغانی انجام می‌شود، مفید و ارزشمند است. بعد گفتم که آقای قربانپور و آقای یوسفیان دیروز در جامعه‌الصادق خدمت آیت‌الله مهدوی‌کنی رسیده و ایشان فرموده‌اند یا خودشان امروز تشریف می‌آورند یا آقای حجت‌الاسلام باغانی تشریف می‌آورند. در همین حین آقای باغانی تشریف آوردند و حدود چهل دقیقه صحبت کردند و خوب هم صحبت کردند و معیارهای انتخاب اصلح را تشریح کردند و گفتند: در بین کاندیداها آقای حجت‌الاسلام ناطق‌نوری اصلح است. جلسه به‌خوبی و بدون هیچ‌گونه تنشی تمام شد. کل مراسم ضبط تصویری و صوتی شد که به‌صورت وی‌اچ‌اس تکثیر کردیم و یک کپی برای ستاد مرکزی آقای ناطق‌نوری و یک کپی برای ستاد مرکزی آقای سیدمحمد خاتمی فرستادیم. آن شب تا ساعت دوازده تبلیغات مجاز بود. در آخرین روز و ساعت ما نوارهای ضبط شده صوتی و تصویری را علاوه بر ارسال به ستادهای انتخاباتی، به تعدادی از کارکنان هم دادیم که در صورت لزوم در خانواده‌ها یا محل‌های سکونت استفاده کنند. بعد از پیروزی آقای دکتر سیدمحمد خاتمی، آقای مرتضی حاجی از اینجانب شکایت کرد که از امکانات مترو برای تبلیغات انتخاباتی برای آقای ناطق‌نوری استفاده کرده‌ام. احضاریه از بازپرسی آمد. من با آقای مرتضی حاجی، که قبلاً استاندار مازندران بود، دوست صمیمی بودم. پیش او رفتم و شرح ماوقع را گفتم. به او گفتم که محل جلسه در مهدیه تهران بوده و از اتوبوس و مینی‌بوس‌های شخصی و استیجاری که تعدادی از مدیران و مجریان و پیمانکاران بانی آن بودند، استفاده شده و از اتومبیل‌های مترو و مینی‌بوس‌های مترو که تعدادشان هم بسیار کم بوده، استفاده نشده و پس از جلسه هم یک نسخه صوتی و تصویری از مراسم بلافاصله برای ستاد آقای ناطق‌نوری، ستاد آقای خاتمی و آیت‌الله مهدوی‌کنی ارسال شده است. آقای مرتضی حاجی پس از این جلسه شکایت خود را پس گرفت، ولی از همان ساعت، برکناری من از ریاست هیأت‌مدیره و مدیرعاملی مترو، دوباره کلید خورد. بعد از اینکه آقای عبدالله نوری وزیر کشور شد، سیاست‌شان این شد که استاندارها، شخصیت‌ها یا مدیرانی را که از آقای ناطق‌نوری حمایت کرده بودند، برکنار کنند. با شناختی که از آقای ناطق در زمان وزارت کشور و جهاد سازندگی و حضور ایشان در مجلس و سوابق انقلابی وی داشتم، آن موقع بدون شک می‌خواستم به آقای ناطق رأی بدهم اما قصد من این نبود که این را در یک‌جای عمومی با حضور هفت‌هشت‌هزار نفر از پرسنل و دو روز مانده به انتخابات انجام دهم، چون از فردای روزی که من صحبت کردم، تبلیغات ممنوع بود و آخرین فرصتی بود که کاندیداها حق تبلیغ داشتند. قبل از اینکه در مهدیه در حمایت از آقای ناطق سخنرانی کنم، نظر آقای معزی، آقای نافعی، آقای مهدوی‌کنی و دوستانی که تماس گرفتند، این بود که این سخنرانی انجام شود و با استخاره‌ای که من از طریق آیت‌الله مشکینی انجام دادم، تکلیف بود و خوب بود این کار را انجام بدهم. اما اگر انتخاب با خودم بود، در همان حدی که رأی بدهم و در همان حدی که در روزنامه عکس من را چاپ کردند و اسمم را هم نوشتند که من از آقای ناطق حمایت می‌کنم، همان‌قدر بس بود، برای اینکه من مسئولیت شرعی یا سیاسی و اجتماعی در این زمینه نداشتم و عضو هیچ حزب و گروهی هم نبودم که به مردم بگویم به چه کسی رأی بدهند. ولی برای خودم حجت بود که به آقای ناطق‌نوری رأی بدهم؛ چون از آقای خاتمی شناخت نداشتم و هیچ‌وقت با آقای خاتمی همکار نبودم و شناخت کاری نداشتم. بیشتر آقای خاتمی را یک چهره فرهنگی می‌دانستم. استدلال من این بود که آقای ناطق با تجربیاتی که قبل از انقلاب داشتند و تجربیات بعد از انقلاب در مجلس و تجربیاتی که در جهاد و وزارت کشور داشتند و با ارادتی که خدمت مقام معظم رهبری دارند، مسائل کشور خیلی هماهنگ‌تر و منسجم‌تر پیش می‌رود؛ لذا به‌عنوان یک نیت و تصمیم حتماً به آقای ناطق رأی می‌دادم و در حد اینکه اسم من را در روزنامه‌ها بنویسند، به آنها اجازه داده بودم و این کار را کرده بودند.

کتاب

مخالفت با ساخت مترو

کشورهای جهان سوم خصوصاً کشورهایی که دارای منابع عظیم نفت و گاز هستند، برای احداث مترو همواره با مخالفت‌هایی روبه‌رو هستند. حتی در بعضی از کشورهای توسعه‌یافته، وقتی سابقه را بررسی می‌کنیم، می‌بینیم آنها نیز در مرحله شروع کار با مخالفت‌های مشابهی رو به‌رو بوده‌اند، اما توانسته‌اند از آن عبور کنند. ریشه مخالفت‌ها که اقتصادی است، به اقدامات کسانی مربوط می‌شود که منافع‌شان با احداث مترو در خطر می‌افتد. بیشتر این افراد صاحبان صنایع خودروسازی، صنایع پالایشی، صنایع لاستیک‌سازی، صنایع شیمیایی، داروسازی و شوینده از یک طرف و کسانی که خدماتی در ارتباط با هزینه‌های سنگین توسعه خیابان‌ها، احداث پل‌ها، زیرگذرها، روگذرها، تعریض خیابان‌ها و هزینه‌های توسعه پیوسته شهر ارائه می‌دهند و درآمدهای ملکی و مستغلاتی زیادی کسب می‌کنند، هستند. آنها به‌طور شبکه‌ای مخالف سرمایه‌گذاری‌های کلانی هستند که شریان‌های عمومی ترافیکی شهر را باز می‌کند و این نیاز و تقاضای کمتری را برای محصولات آنها ایجاد می‌کند. آنها با درک اهمیت نظر مسئولان کشور برای تصویب احداث مترو روی تأثیرگذاری بر نظرات آنها سرمایه‌گذاری می‌کنند؛ بدین ترتیب که در برابر فواید مترو، ضررهای مترو را به راه‌های مختلف تبلیغ می‌کنند و به مسئولان کشور واکسنی می‌زنند که به‌راحتی نظر موافقان احداث مترو را نپذیرند. شیوه کار آنها به این صورت است که برای ایجاد ذهنیت در مقامات تصمیم‌گیرنده پول خرج می‌کنند. از محل فروش سالانه محصولات خود بخشی را خرج این کار می‌کنند و با بودجه‌ای که اختصاص می‌دهند، مقوله حساس‌سازی مدیران را دنبال می‌کنند تا بپذیرند مترو یک سیستم گرانقیمت، پرهزینه، لوکس، اشرافی و غیرضروری است و اولویت ندارد روی آن کار کنند، مقاله و مطلب می‌نویسند، جلسه برگزار می‌کنند و مقرون به صرفه‌نبودن مترو را توجیه می‌کنند. اقدام دیگری که صاحبان صنایع ذی‌نفع برای اثبات این نظر انجام می‌دهند، این است که سهام کارخانه‌های واگن‌سازی را خریداری و در آنجا اعمال مدیریت می‌کنند تا قیمت تمام‌شده واگن‌های مترو و تجهیزات ثابت و متحرک افزایش پیدا کند و قدرت خرید برای کشورها به وجود نیاید و این نظریه که مترو یک سیستم گرانقیمت است، تأیید شود.